پرونده

وعده‌های لاپید به قاهره و آنکارا از هراس نتانیاهو

یائیر لاپید، نخست‌وزیر موقت رژیم صهیونیستی که باید تا اکتبر انتخابات را برگزار و زمینه ایجاد یک پارلمان جدید را فراهم کند، در حال دادن وعده و وعید به دولت‌هایی است که ساز همسو با رژیم صهیونیستی را به صدا درآورده‌اند. اردوغان از لاپید خواسته تا زمان برگزاری انتخابات با ساخت شهرک‌های جدید موافقت نکند و وضعیت موجود مسجدالاقصی را حفظ کند و لاپید هم به رئیس‌جمهور مصر وعده داده که درباره جنایت سوزاندن سربازان مصری در جنگ ۱۹۶۷، تحقیق و تفحص کند.

یائیر لاپید که از دو هفته قبل جانشین نفتالی بنت شده، یک چالش بزرگ پیش رو دارد؛ کابوس بازگشت بنیامین نتانیاهو در انتخابات آتی. پیش‌بینی می‌شود در انتخابات بعدی حزب راستگرای لیکود به رهبری نتانیاهو بیشترین تعداد کرسی را در کنست (پارلمان اسرائیل) کسب کند. هرچند که مانند رأی‌گیری‌های قبلی هیچ حزبی نخواهد توانست اکثریت مطلق را کسب کند و برای تشکیل کابینه، نیاز به ائتلاف خواهد بود ولی کابوس بازگشت نتانیاهو، باعث شده که یائیر لاپید نخست‌وزیر موقت، به ائتلاف‌های خارجی روی بیاورد و وعده‌هایی بدهد که تل‌آویو طی چند دهه اخیر به آن پایبند نبوده است. ریاست جمهوری ترکیه دیروز در بیانیه‌ای اعلام کرد که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور این کشور و یائیر لاپید، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی درباره روابط آنکارا و تل‌آویو و مسائل منطقه‌ای تلفنی گفت‌وگو کردند. در این بیانیه آمده است: اردوغان در جریان این تماس تلفنی ابراز امیدواری کرد که دولت اسرائیل تا زمان برگزاری انتخابات با ساخت شهرک‌های جدید موافقت نکند و وضعیت موجود مسجدالاقصی را حفظ کند. اینکه پاسخ لاپید به این ابراز امیدواری چه بوده، رسماً اعلام نشده ولی منابع خبری عبری گزارش کردند که اردوغان و لاپید همچنین درباره همکاری امنیتی و اقتصادی میان ترکیه و رژیم صهیونیستی رایزنی کردند. دفتر لاپید هم بیانیه‌ای در این باره صادر و تأکید کرد: روابط اسرائیل و ترکیه برای امنیت، اقتصاد و ثبات در خاورمیانه اهمیت زیادی دارد. دیروز همچنین ریاست جمهوری مصر در بیانیه‌ای اعلام کرد که عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهور مصر و یائیر لاپید، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در تماسی تلفنی با یکدیگر گفت‌وگو کردند. در این بیانیه آمده است که رئیس‌جمهور مصر و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی آخرین تحولات مسئله فلسطین را مورد بررسی قرار دادند و بر سر برگزاری نشست‌های دوجانبه و چندجانبه میان مقامات مصر، رژیم صهیونیستی و محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین طی دوره آتی با هدف ازسرگیری مذاکرات صلح خاورمیانه توافق کردند. به گزارش رسانه‌های عبری زبان سیسی و لاپید همچنین درباره جنایات ارتش رژیم صهیونیستی علیه ۲۰ سرباز مصری در جریان جنگ ۱۹۶۷ عرب‌ها و این رژیم پرداختند. لاپید در گفت‌وگو با سیسی متعهد به انجام تحقیقات کامل و شفاف درباره جنایت مذکور و ارتباط با مصر در این باره با هدف مشخص شدن حقیقت شد. یوسی ملمان، خبرنگار روزنامه عبری «یدیعوت آحارانوت» اخیراً با انتشار پیامی در حساب کاربری خود در توئیتر اعلام کرد ارتش رژیم صهیونیستی ۲۰ سرباز مصری را در جنگ ۱۹۶۷ زنده زنده سوزانده است. وی بر اساس اظهارات «زین بلوخ» افسر نظامی که شاهد این جنایت بوده است، اظهار کرد که ارتش اسرائیل ۲۰ سرباز مصری را در طول جنگ ۱۹۶۷ زنده زنده سوزاند و در یک گور دسته جمعی در شهر «لاترون» در غرب قدس دفن کرد. ملمان با اشاره به اینکه دولت رژیم صهیونیستی سال‌ها سانسور شدیدی در این خصوص اعمال کرده، گفت: حقیقت با لغو سانسور، ۵۵ سال بعد آشکار شد.

اخبار کوتاه

■ لغو روادید قزاقستان برای اتباع ایران، هند و چین

قزاقستان به صورت یکجانبه برای اتباع ایران، هند و چین قانون لغو روادید را وضع کرد. به گزارش فارس، طبق اطلاعیه بخش مطبوعاتی سازمان مهاجرت وابسته به وزارت کشور قزاقستان، بر اساس شرایط لغو روادید، اتباع کشورهای ایران، هند و چین می‌توانند بدون روادید برای مدت ۱۴ روز وارد قزاقستان شوند. شایان ذکر است که در چارچوب این قانون در هر دوره ۱۸۰ روزه، مدت اقامت اتباع کشورهای یادشده در قزاقستان نباید از ۴۲ روز تقویمی تجاوز کند.

■ ریاض ممنوعیت‌های سفر علیه فعالان حقوق بشری را لغو کند

منابع خبری اعلام کردند که عفو بین‌الملل خواستار امضای طوماری شده است که از سلمان بن‌عبدالعزیز، پادشاه عربستان می‌خواهد ممنوعیت‌های خودسرانه علیه سفر فعالان و مدافعان حقوق بشر را لغو کند. به گزارش عربی ۲۱، سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرد در زمانی که خانواده‌ها عید قربان را جشن می‌گیرند عربستان به واسطه ممنوعیت‌های خودسرانه علیه فعالان و مدافعان حقوق بشر، اعضای خانواده‌های این فعالان را از یکدیگر جدا کرده است. این سازمان حقوق بشری گفت: «مقامات سعودی دست‌کم ۳۵ فعال صلح‌طلب حقوق بشری را پس از محکوم کردن آنها به حبس‌های طولانی مدت و ممنوعیت سفر، در برخی موارد صرفاً به دلیل توئیت‌هایی درباره اصلاحات سیاسی، خودسرانه بازداشت کرده است. منتهی به‌رغم اینکه بعضی از این افراد مدت زمان محکومیت‌شان را هم گذرانده‌اند، هنوز هم آزاد نیستند.»

■ انتقاد شدید عراق از برنامه ترکیه برای ساخت سدی دیگر روی دجله

رئیس کمیته منابع آبی پارلمان عراق روز دوشنبه خبر داد که ترکیه قصد ساخت سد بزرگی روی رود دجله دارد که این سد، عراق را از آب دجله محروم خواهد کرد. به نوشته وبگاه صوت العراق، ثائر مخیف الجبوری با بیان اینکه نام این سد الجزیره (به ترکی: سیزری) است، از آنچه «سکوت دولت عراق» درباره سیاست سدسازی ترکیه می‌خواند، به شدت انتقاد کرد. او افزود: «سدی که ترکیه قصد ساخت آن را دارد، برای آبیاری و از خطرناک‌ترین سدهاست و در صورت ساخت یک قطره آب هم از ترکیه وارد عراق نخواهد شد، به طوری که قرار است برای آبیاری زمین‌های کشاورزی ترکیه مورد استفاده قرار گیرد.» به گفته الجبوری، این سد در ۳۵ کیلومتری مرز عراق ساخته خواهد شد و خطر بزرگی برای عراق دارد و با این حال هیچ تحرکی از جانب دولت بغداد برای مقابله با ایران موضوع وجود ندارد.

■ کشته شدن فعال مخالف سعودی در لبنان

حزب تجمع ملی که یک حزب اپوزیسیون عربستانی است، در بیانیه‌ای خبر کشته شدن یکی از اعضای موسس خود، در لبنان را تأیید و تأکید کرد این مسئله مشکوک است. به گزارش عربی ۲۱، نیروهای امنیتی لبنان اعلام کردند که‌شنبه مانع بن حمد آل مهذل الیامی یک تبعه عربستانی ۴۲ ساله کشته شد. براساس اعلام نیروهای امنیتی لبنان فرد کشته شده، یکی از اعضای مؤسس حزب تجمع ملی است. این حزب مخالف و منتقد سیاست‌های عربستان است. اکثریت بنیانگذاران این حزب که از مخالفان نظام آل‌سعود هستند در تبعید و خارج از عربستان اقامت دارند. حزب تجمع ملی در بیانیه اعلام کرد که مانع الیامی عربستان را در راستای فعالیت‌های عمومی خود و همین‌طور دور بودن از سیاست زدگی و استثمار طایفه‌ای در آن کشور ترک کرده بود.

گزارش یک

فرشید پرهام

ائتلاف در شن‌زار

ادامه از صفحه اول

اگرچه امریکا از چند سال پیش روند خروج نیروهایش را از منطقه و سپردن امور منطقه به متحدانش با هدف کاهش تعهداتش در خاورمیانه کلید زده است و این طرح‌های نیم‌بند در گذشته نیز بارها مطرح شده است اما تاکنون نتیجه ملموسی در پی نداشته است. این طرح که برخی کارشناسان و مقامات منطقه از آن با عنوان «ناتوی عربی» یاد می‌کنند در یک دهه گذشته از سوی مقامات برخی کشورها نیز هر از چند گاهی در رسانه‌ها مطرح شده و چیز جدیدی نیست اما این برنامه در حکم نوزادی است که قبل از تولد مرده به دنیا می‌آید.

شیخ‌نشین‌های عربی فکر می‌کنند که می‌توانند ائتلافی همچون ناتوی غرب را که امنیت اروپا و امریکا را تضمین می‌کند، در خاورمیانه نیز تشکیل دهند تا در چارچوب آن بتوانند امنیت خودشان را ارتقا دهند اما دودستگی و اختلاف در بین اعراب چنان زیاد است که تحقق این برنامه را دور از دسترس می‌کند. نمونه بارز این اختلافات را می‌توان در ائتلاف سعودی علیه یمن به وضوح مشاهده کرد که امارات و عربستان به عنوان طراحان اصلی آن در ابتدا در کنار یکدیگر قرار داشتند اما پس از یک سال به دلیل سهم‌خواهی مسیر خودشان را از هم جدا کردند و حتی مزدوران‌شان در خاک یمن به جان هم افتادند. بنابراین ائتلافی که سردمداران آن ریاض و ابوظبی باشند معلوم است که راه به جایی نخواهد برد. نمونه دیگر شورای همکاری خلیج فارس است که قرار بود اهداف و سیاست‌های اعراب را در منطقه یکدست کند اما همیشه انشقاق و چالش بین اعضا در آن موج می‌زند و در بحران قطر به خوبی موجودیت شکننده و بی‌ثبات خود را نشان داد. با این تفاسیر، امریکا در تشکیل ائتلاف عربی روی اسب‌های از پیش باخته شرط‌بندی می‌کند، زیرا در اردوگاه اعراب دو کشور را نمی‌توان یافت که روی یک موضوع منطقه‌ای موضع همسانی داشته باشند. همچنین، یکی از اهداف ائتلاف به اصطلاح عربی مقابله با بازوهای محور مقاومت در منطقه است. اما ذکر این نکته ضروری است که اعراب در یک دهه گذشته همه توان خود را به‌کار گرفتند تا دولت سوریه، عراق و یمن را سرنگون کرده و نقشه‌های خود را اجرایی کنند اما نیروهای مقاومت اجازه چنین کاری را ندادند و اکنون مقاومت در منطقه قدرتمندتر از قبل ایستاده و حتی یمنی‌ها که در شدیدترین محاصره اقتصادی هستند با ساخت موشک‌ها و پهپادهای پیشرفته، خواب را بر سردمداران ابوظبی و ریاض حرام کرده‌اند. از آنجا که نوک حمله ائتلاف عبری-عربی به سمت ایران است، اما مقامات ایرانی به شدت به این مسئله واکنش نشان داده‌اند. سایت نورنیوز، دیروز در توئیتی نوشت: «ایجاد شبکه پدافندی در منطقه از سوی امریکا و با مشارکت، هدایت و مدیریت پنهان رژیم صهیونیستی اقدامی تهدیدآمیز است. اگر اجرای چنین طرح‌هایی امنیت ایران را به هر شکل به خطر بیندازد قطعاً با پاسخ قاطع اولیه و به نزدیک‌ترین و در دسترس‌ترین اهداف روبه‌رو خواهد شد.»

مسئله دیگر حضور احتمالی رژیم صهیونیستی در ائتلاف به سرکردگی امریکا است که می‌تواند به تشدید شکاف‌ها در جبهه عبری-عربی دامن بزند. از آنجا که اردن و مصر اخیراً گفته‌اند که در هیچ ائتلاف ضد ایرانی مشارکت نخواهند کرد و از طرفی بسیاری از اعراب نیز روابط دیپلماتیک با اسرائیل ندارند، قرار گرفتن دو جبهه متضاد در کنار هم را تا حدی سخت کرده است. از طرفی، شیخ‌نشین‌های عربی برای چنین ائتلافی روی پدافند هوایی اسرائیل همچون گنبد آهنین حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند. اما غافل از اینکه این سامانه موشکی در سال‌های اخیر در مقابل موشک‌های ضعیف گروه‌های فلسطینی هم ناکارآمد بوده و حتی اوکراین و امریکا هم که قرار بود این سامانه‌ها را خریداری کنند از این تصمیم خود پشیمان شده‌اند. بنابراین، امنیت اعراب به دستان بادی سپرده شده است که حتی در تأمین امنیت صهیونیست‌ها نیز عاجز است.

■ هموار کردن مسیر عادی‌سازی

مسئله مهم دیگر که در سفر بایدن می‌توان به آن اشاره کرد، بحث عادی‌سازی روابط اعراب با تل‌آویو است که از سه سال شروع شده است. علاوه بر بحرین و امارات که به آغوش اسرائیل رفته‌اند، عربستان سعودی هم می‌خواهد این تجربه را تکرار کرده و هر چه سریع‌تر به صهیونیست‌ها نزدیک‌تر شود. گفته می‌شود مقدمات این طرح انجام شده و تنها علنی کردن آنها باقی مانده که در سفر بایدن هم این مسئله عملی خواهد شد. امریکا قصد دارد با عادی‌سازی روابط عربستان با رژیم صهیونیستی، به دلیل نفوذ قابل توجه سعودی در بین اعراب منطقه سایر کشورهای عربی را نیز به مسیر عادی‌سازی سوق دهد. زیرا با تحقق این سناریو، امنیت تل‌آویو بیش از پیش تقویت خواهد شد و تهدیدی از سوی اعراب علیه این رژیم نخواهد شد. مقامات ریاض هم در ماه‌های اخیر ارادت خود را با صدور ویزا برای خاخام‌های صهیونیستی و خبرنگاران این رژیم به عربستان در مراسم حج نشان داده‌اند و موانع جدی برای توافق بین دو طرف وجود ندارد.

از سوی دیگر، در زمانی که مذاکرات هسته‌ای ایران بار دیگر از سرگرفته شده و امیدها برای رسیدن به توافق احتمالی زنده شده است، لذا اعراب و اسرائیل از این مسئله نگران هستند و در سال‌های اخیر به کرات نگرانی خود را نسبت به توافق غرب با ایران ابراز کرده‌اند. لذا امریکا قصد دارد در صورت توافق و یا عدم توافق با ایران، متحدانش را در یک جبهه واحد جمع کرده و تأمین امنیت آنها را به خودشان واگذار کند. عربستان سعودی و اسرائیل به دلیل تنش‌های گسترده‌ای که با ایران و محور مقاومت در منطقه دارند تلاش می‌کنند تا امریکا را کماکان به ماندن در خاورمیانه متقاعد کنند و هرچند واشنگتن نیز در حال حاضر به دلیل تحولات اوکراین، قصدی برای ترک منطقه ندارد اما معلوم نیست آیا این کشور برای طولانی مدت حاضر خواهد شد تا در خاورمیانه حضور داشته باشد یا مثل افغانستان به صورت شبانه بار خود را بسته و فرار خواهد کرد. نگرانی‌های عبری-عربی پس از خروج ناگهانی امریکا از افغانستان به شدت افزایش یافته است و خواهان تضمین گرفتن از کاخ سفید هستند.

مسئله داخلی اسرائیل هم یکی از مواردی است که در سفر بایدن بی‌تأثیر نبوده است. باتوجه به بی‌ثباتی کابینه‌های صهیونیستی در سال‌های اخیر، شرایط امنیتی در سرزمین‌های اشغالی را متزلزل کرده است و این مسئله برای امریکایی‌ها نگران‌کننده است و تلاش می‌کنند احزاب صهیونیستی را با هم متحد کرده و کابینه‌ای باثبات‌تر از قبل در تل‌آویو تشکیل دهند زیرا بی‌ثباتی سیاسی سبب می‌شود صهیونیست‌ها از توجه به قدرت‌یابی گروه‌های مقاومت و نفوذ ایران در منطقه غافل شوند و این مسئله برای منافع امریکا و صهیونیست‌ها خطرآفرین است.

آرون دیوید میلر، کارشناس مسائل بین‌الملل، معتقد است که سفر کوتاه جو بایدن به خاورمیانه به این خاطر انجام می‌شود که نشان دهد در زمانی که امریکا مشغول تقابل با روسیه و چین در اروپا و شرق آسیا است به متحدانش در خاورمیانه این دلگرمی را بدهد که هنوز هم به این منطقه اهمیت می‌دهد و نشان دهد که تقابل با رقبا نتوانسته واشنگتن را از توجه به اعراب و اسرائیل بازدارد. به اعتقاد میلر، سفر بایدن به خاورمیانه به این معناست که امریکا از منطقه عقب‌نشینی نمی‌کند و آماده است همکاری با اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس را به ویژه در سیستم یکپارچه دفاع هوایی در برابر موشک‌ها و پهپادها تقویت کند. اما بایدن هم در اسرائیل و هم در عربستان سعودی باید با احتیاط عمل کند و تضمین‌های الزام‌آور که می‌تواند منجر به چرخه تشدیدکننده‌ای شود که ایالات متحده را به جنگی ناخواسته با ایران بکشاند، ارائه نکند.

ولی نصر، کارشناس مسائل ایران و خاورمیانه در دانشکده مطالعات بین‌المللی پیشرفته جان هاپکینز نیز درباره اهداف سفر بایدن می‌گوید: «اسرائیلی‌ها می‌خواهند از سوی کشورهای عربی به رسمیت شناخته شوند و ایران بلیت آنها برای رسیدن به آن است.» نصر می‌گوید که این خطرات شامل برافروختن خصومت خاورمیانه از طریق متحد کردن و فعال کردن جنگ‌طلب‌ترین دشمنان ایران از جمله اسرائیل و امارات و اجازه دادن به نارضایتی‌های عمیق ناشی از دشمنی اسرائیل و فلسطین است. به گفته نصر، امریکا می‌خواهد با برنامه‌های خود امنیت منطقه را به اسرائیل واگذار کند.

گزارش ۲

کالینینگراد نقطه بالقوه تنشی جدید

هشدار مسکو به اروپا: صبرمان در کالینینگراد درحال لبریز شدن است

لیتوانی بنابر آنچه آن را اجرای تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه مسکو دانسته، از دیروز محدودیت‌های تجاری به مقصد روسیه را اجرایی کرده است. مسکو ضمن اعتراض شدید به تداوم حرکت ویلنیوس در مسیر مدنظر بروکسل درباره واکنشی مناسب در آینده‌ای نزدیک هشدار داده است.

■■■

بیش از چهار ماه از آغاز جنگ اوکراین می‌گذرد و این روزها زمزمه تنش نه در خاک اوکراین بلکه در نقطه‌ای از خاک روسیه به گوش می‌رسد. کالینینگراد که پس از جنگ جهانی دوم جزو خاک شوروی شد، اگرچه با روسیه کنونی مرز زمینی ندارد و با لیتوانی و اتحادیه اروپا هم مرز است اما به عنوان نقطه‌ای راهبردی که مقر ناوگان بالتیک است برای مسکو دارای اهمیت استراتژیک است و این کشور را به دریای سیاه پیوند می‌دهد. لیتوانی اخیراً در راستای اجرای تحریم‌های اتحادیه اروپا در پی جنگ اوکراین علیه روسیه، انتقال ریلی برخی کالاها به کالینینگراد را قطع کرده است.

■ پافشاری لیتوانی بر سیاست تحریمی

گابریلیوس لاندسبرگیس، وزیر امور خارجه لیتوانی گفته است که این کشور دستورالعمل‌های کمیسیون اروپا را از ۱۷ ژوئن (۲۷ خرداد) اجرا کرده است. اتحادیه اروپا در شرایطی با صدور بیانیه‌ای بر این موضوع تأکید کرده است که یوهانس بارک، نماینده کمیسیون اروپا، پیش‌تر گفته بود که این کمیسیون هنوز توصیه‌هایی به مقامات لیتوانی در مورد موضوع ترانزیت کالاهای روسی به کالینینگراد تهیه نکرده است، اما با مقامات لیتوانی در تماس است. گیتاناس ناسدا، رئیس‌جمهور لیتوانی روز دوشنبه به صراحت اعلام کرده است: «لیتوانی باید کنترل کالاهای حمل شده از طریق خاک خود را حفظ کند و خواهد کرد و هیچ صحبتی درباره هرگونه کریدور و همچنین امتیازاتی به روسیه در پاسخ به تهدیدهای کرملین در کار نیست.» لیتوانی این را هم گفته است که اتحادیه اروپا به طور یکجانبه مسئول اجرای تحریم‌ها نیست. از طرفی دیگر سخنگوی گمرک لیتوانی اعلام کرد که این کشور روز دوشنبه بر اساس تحریم‌های اتحادیه اروپا که پیش‌تر اعلام شده بود، محدودیت‌های تجارت از طریق خاک خود را به منطقه کالینینگراد گسترش داد و کالاهای تحریم شده از صبح دوشنبه شامل بتن، چوب، الکل و مواد شیمیایی صنعتی مبتنی بر الکل است.

■ کارشکنی لیتوانی با تحریک غرب

روسیه به این کشور هشدار داده قطع انتقال ریلی بعضی کالاها به کالینینگراد، عواقب جدی خواهد داشت و مسکو قطعاً به چنین اقدامات خصمانه پاسخ خواهد داد. نیکلای پاتروشف، دبیر شورای امنیت ملی روسیه دیروز از کالینینگراد بازدید کرد و گفت این مانع‌تراشی لیتوانی، که به تحریک غرب بوده ناقض قوانین بین‌المللی است. او هشدار داد اقدامات مناسبی که در آینده نزدیک در پیش گرفته می‌شوند، تأثیر منفی جدی بر مردم لیتوانی خواهند داشت. همچنین، وزارت خارجه روسیه در اعتراض صبح دیروز سفیر اتحادیه اروپا را احضار کرد.

■ تا ابد منتظر نمی‌مانیم

روز شنبه الکساندر لوکاشنکو، رئیس‌جمهور بلاروس هشدار داده بود که اقدام لیتوانی در ادامه محاصره کالینینگراد در حکم اعلام جنگ غیررسمی است. لوکاشنکو همچنین در مورد پروازهای هواپیماهای ایالات متحده و ناتو که در حال حمل کلاهک اتمی هستند، به شدت ابراز نگرانی کرد و گفت، این تحرکات برای بلاروس بسیار نگران‌کننده است. ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه هم تهدید کرد: «ما تا ابد منتظر نخواهیم ماند. یک بار دیگر هشدار می‌دهیم که اگر وضعیت در روزهای آینده حل و فصل نشود، روسیه اقدامات سختی را علیه لیتوانی و اتحادیه اروپا اتخاذ خواهد کرد که مقدمات آن قبلاً تکمیل شده است. انتظار طولانی شده است.» وی افزود: «نهادهای روسیه کار مشترک خود را روی اقدامات واکنشی انجام داده‌اند و شرکای غربی ما و کمیسیون اروپا و اتحادیه اروپا، باید بفهمند که ساعت درحال زنگ زدن است و صبر ما هم حدی دارد. هیچ کس رسماً به آنها اطلاع نداده اما ما بارها به صورت علنی و مستقیم به آنها گفته‌ایم که پاسخ مناسبی خواهیم داد.» این مقام روسی در ادامه عنوان داشت: «ما به گفت‌وگو با کمیسیون اروپا و لیتوانی ادامه می‌دهیم. ما اطمینان داریم که این موضوع باید در آینده نزدیک حل شود.» زاخاروا تصریح کرد، مسکو به این واقعیت معتقد است که تنها تصمیم درست در بروکسل و ویلنیوس اتخاذ خواهد شد که عبور بدون مانع کالا به روسیه را تضمین می‌کند. سخنگوی وزارت خارجه روسیه در بخش دیگری از سخنانش در کنایه به دولت امریکا، آن را به کشتی تایتانیک تشبیه کرد و اظهار داشت: «جن ساکی، سخنگوی سابق کاخ سفید در زمان مناسب پست خود را ترک کرد. قایق‌های نجات در کشتی تایتانیک برای مسافران رده بالا و ثروتمند و همچنین افرادی است که می‌توانند با پول مکان بخرند.»

نگاه

سید رحیم نعمتی

بایدن را نه تل‌آویو نجات می‌دهد نه ریاض!

جو بایدن یک سال بعد از خروج افتضاح‌آمیز نیروهایش از افغانستان، قصد سفر به خاورمیانه را دارد تا نخستین سفر خود را به این منطقه در کسوت ریاست جمهوری امریکا انجام دهد. شکی نیست که هدف او از این سفر کسب امتیاز قابل‌توجهی از منطقه است، به خصوص جنگ اوکراین و پیامدهای آن وضعیت نامطلوبی را برای او در داخل امریکا ایجاد کرده، چنان که نظرسنجی اخیر مؤسسه افکارسنجی سیویکس نشان می‌دهد که او کمترین میزان محبوبیت را دارد تا آنجا که «بایدن در نگاه هر گروه سنی با هر میزان تحصیلات و از هر جنسیتی در حال غرق شدن است.» با این حال، بایدن امید دارد در این سفر امتیازی از خاورمیانه بگیرد تا اینکه از آن برای بهبود بخشیدن به وجهه‌اش در داخل بهره‌برداری کند اما به نظر می‌رسد که او برای رسیدن به این هدف در مواجهه با چالش‌های جدی است.

نخستین چالش از سوی رژیم اسرائیل است زیرا با سقوط کابینه این رژیم به نخست‌وزیری نفتالی بنت در حدود دو هفته قبل، بایدن در سفر خود با شرایط تازه‌ای روبه‌رو می‌شود. حالا بایدن با ورود به فرودگاه بن گوریون باید با یائیر لاپید ملاقات کند که نخست‌وزیر موقت است و وظیفه اصلی‌اش برگزاری انتخابات زودهنگام کنست، پارلمان رژیم اسرائیل، در اواخر اکتبر است. این موضوع باعث شده بایدن در برنامه‌های کاری خودش یک برنامه اضطراری نیز بگنجاند که عبارت است از دیدار با بنیامین نتانیاهو. شاید اگر شرایط به صورت دیگری می‌بود و کابینه بنت به کار خودش ادامه می‌داد، بایدن هرگز حاضر نمی‌شد دیداری با نتانیاهو داشته باشد اما حالا همه چیز تغییر کرده و بایدن بایستی تن به ملاقات کسی بدهد که بیش از هر کسی خواهان شکست بایدن و بازگشت جمهوریخواهان به قدرت در امریکا است. بنابراین، دیدار بایدن از سرزمین‌های اشغالی بیشتر از اینکه امتیازی برای او باشد حاکی از یک شکست غیرمنتظره است که به واسطه ناپایداری دولت بنت اتفاق افتاده است.

مقصد دوم بایدن در این سفر عربستان سعودی است و این موضوع بیش از سفر اولش مورد توجه رسانه‌ها و تحلیلگران قرار گرفته است. دلیل توجه خاص به این سفر تغییر اساسی در رویکرد بایدن در قبال سعودی‌ها و به خصوص شخص محمد بن‌سلمان، ولیعهد سعودی، است. بایدن در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری بارها از اصطلاح «منفور، pariah» برای توصیف بن‌سلمان استفاده کرده بود و بعد از رسیدن به مقام ریاست جمهوری سیاست نادیده گرفتن بن‌سلمان را دنبال می‌کرد اما حالا شرایط برای او آن قدر تغییر کرده که نه تنها حاضر به قبول این شخص «منفور» شده بلکه می‌خواهد مبنایی را در رابطه بین امریکا و آل‌سعود احیا کند که کاخ سفید آن را دست کم در بیش از یک دهه گذشته و از دولت دوم باراک اوباما به این سو کنار گذاشته بود. مبنای نفت در برابر امنیت از زمان حکومت عبدالعزیز بر عربستان اساس رابطه بین دو کشور را تشکیل می‌داد، به این نحو که عربستان با تأمین نفت مورد نیاز غرب، تضمین امنیتی از امریکا می‌گرفت اما از زمان دولت دوم اوباما و افزایش قابل توجه نفت داخلی امریکا، واشنگتن دیگر نیازی به مبنا نداشت و آن را کنار گذاشت. حالا جنگ اوکراین شرایط را به کلی تغییر داده زیرا تحریم نفت و گاز روسیه باعث شده بازارهای غرب به شدت دچار کمبود عرضه نفت و گاز شود و بایدن امید دارد در این سفر رهبری سعودی‌ها را متقاعد کند با افزایش صادرات نفت خود به رفع این کمبود کمک کنند. در واقع، این کمبود منجر به افزایش قیمت بنزین در داخل امریکا شده تا حدی که مصرف‌کنندگان امریکایی شاهد افزایش ۵۰ درصدی قیمت نسبت به سال گذشته هستند و این یکی از عوامل اساسی سقوط محبوبیت بایدن در داخل است. نکته اساسی اینجا است که آیا حتی در صورت موافقت بن‌سلمان با افزایش صادرات نفت، این کار امتیازی برای بایدن خواهد بود؟ مازاد تولید نفت عربستان در صورتی امتیازی برای بایدن خواهد بود که بتواند جایگزین نفت تحریم شده روسیه را بگیرد اما به نظر بسیاری از تحلیلگران، سعودی‌ها اصولاً ظرفیت انجام این کار را ندارند. در مقابل، مسئله ایجاد سامانه یکپارچه دفاع هوایی با شرکت عربستان، امارات، بحرین، مصر و اردن در دستور کار بایدن است تا بن‌سلمان را با آن راضی به افزایش تولید نفت بکند. روشن است که این تضمین به معنای ناتوی عربی نیست و مشکل این طرح در اینجا است که معلوم نیست این کشورهای عربی تا چه میزان حاضر به تشریک‌مساعی با یکدیگر برای ایجاد چنین سامانه‌ای باشند. در نتیجه، به نظر نمی‌رسد که دستاورد و امتیاز مورد نظر بایدن تا آن حد باشد که بتواند با آن بر سقوط محبوبیتش در داخل امریکا تأثیری بگذارد.

دورنما

پیروزی حزب شینزو آبه با اکثریت قوی‌تر انتخاباتی

ژاپن یک قدم دیگر به نظامی‌گری نزدیک شد

چهار روز پس از ترور شینزو آبه، نخست‌وزیر سابق، حزب حاکم ژاپن و شریک ائتلافی آن، با کسب بیش از ۷۵ کرسی از ۱۲۵ کرسی مجلس علیای این کشور، تسلط خود را بر این نهاد تقویت کردند.

به گزارش رویترز، شینزو آبه، رهبر مدرن ژاپن با بالاترین سابقه کاری، روز جمعه در جریان یک سخنرانی انتخاباتی در حمایت از حزب لیبرال دموکرات، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان باخت. حالا چهار روز بعد از این ترور، حزب لیبرال دموکرات فومیو کیشیدا، نخست‌وزیر ژاپن که شینزو آبه نیز یکی از قانونگذاران بانفوذ این حزب بود و حزب ائتلافی‌اش موسوم به «کمیتو»، در انتخابات روز یک‌شنبه ۷۵ کرسی از ۱۲۵ کرسی مجلس علیای پارلمان را از آن خود کردند، در حالی که قبلاً تعداد کرسی‌های این ائتلاف در مجلس علیا ۶۹ کرسی بود. حزب لیبرال دموکرات در انتخابات روز یک‌شنبه به تنهایی ۶۳ کرسی را به دست آورد که ۱۳ کرسی از ۵۵ کرسی لازم برای به دست آوردن اکثریت کرسی‌های رقابتی بیشتر بود اما آنقدر کافی نبود که بتواند به تنهایی اکثریت کامل را به دست بگیرد. انتخابات برای مجلس علیای پارلمان ژاپن معمولاً رفراندومی در مورد دولت حاکم محسوب می‌شود؛ هرچند در اینجا تغییر دولت مطرح نبود چرا که این موضوع توسط مجلس سفلی پارلمان ژاپن تعیین می‌شود. با این حال ناظران می‌گویند که این پیروزی انتخاباتی، ژاپن را یک گام دیگر به نظامی گری نزدیک کرد. وال‌استریت ژورنال دیروز نوشت که با نتیجه انتخابات هدف دیرینه رهبر سابق کشته شده ژاپن، شینزو آبه، به تحقق نزدیک‌تر شد، زیرا فومیو کیشیدا، نخست‌وزیر تازه پیروز انتخابات گفته که برای تثبیت نقش ارتش، بازنگری قانون اساسی را انجام خواهد داد. به این ترتیب، به نوشته وال‌استریت ژورنال، ائتلاف حاکم به رهبری کیشیدا در انتخابات روز یک‌شنبه اکثریت آشکار کرسی‌های پارلمان را به دست آورد و ممکن است آرای کافی در پارلمان برای پیشبرد تغییرات قانون اساسی داشته باشد. خبرگزاری فرانسه گزارش کرده که دو حزب بخشی از اکثریت دوسوم هستند که مایل به اصلاح قانون اساسی صلح‌طلبانه ژاپن هستند تا در نتیجه، نقش نظامی خود را در صحنه جهانی تقویت کنند؛ امری که هدف دیرینه آبه بود. کیشیدا پس از انتشار نتایج اولیه گفت: «بسیار قابل توجه است که ما توانستیم این انتخابات را در زمانی که خشونت اساس انتخابات را لرزانده بود، برگزار کنیم. در حال حاضر که ما با مسائلی چون ویروس کرونا، اوکراین و تورم مواجه هستیم، همبستگی در داخل دولت و احزاب ائتلافی بسیار مهم و حیاتی است.»